

الشتارات نفتر سلياني غيرتامه والمرحا إد فلسرحت ومحقانام ونقاتات وتقاط وزاسهم بثنا فريع وخمت أالج · Simeler اعجاز محدى تدينسلاني بحطلهم(و) وربا برسارامين شريب وشاجع اكل ملال دعد ف مقال Dierslundsing رُك جو (فاك ويوقات الهابت الطوفوام بورثية وآن مجدد وفع شرطا المان وغيره لكمع كم بورقمت لەملەرە رمىدىدان . ر بىياض سلىمانى آفتاب بجوم لكرمية علم بنوم وربل جغر تبريخ سوا بكارموكها كمرغيداب المصمتقدين عات وموكان وادراء واؤكار وحره وت توارية وتحش غيره تباسه برياقيت في جله و ومحصولة أك ا كاشف اسرار تواب با متيات الصالحات out Library 4356 9 hay 1100 ن فيد مرمسوندا يك ما توبيان كوين قرت في ميل، وصولة ال 20121 مات برو توسيكيين فيت فيدم والتروي فت في جلوا مر محصولة الك مر





من المنافعة من المنافعة المنا

الادود ودر تا با يجاري مدادات هو شدا ساخته بورسي بالميا با يربها موافق الموافق الموافق الموافق الميان الموافق الموافق الموافق الموافق الموافق الموافق الموافق الموافق في العدم موافق الموافق الموافقة الم

در این استان به با هنده او در که مدین به با با بین تنای با به دو فرق این که این که در این که به بین از این که بر در این به بین از این که بین از این که بین از این که بین از این که در این که در این که در این که بین که بین که بین از این که بین که بین که بین که این که بین که بین که بین که بی در داده این که در این که بین که

در در در این با به در و صرف به در این با در این به این با در این به در در این به در ا ماندوری به این به این





من المسلم المسل



في قصل جا يون كبيبا بين جانا دسته كوياد كرمانت بين أمانيون منت جدائي بيروط موا يمكام ارمهينه جرية طوري طوماند او دطوارات مو

## راز آ دها





دري کوران در ميشوان که بادراگرفتان مدمود گوران در بيشوان که از ترب مدن بادراگرفتان دختر و کورون ارد برخ بر ادر هشارت با گذران در شدار شده شد در بردن بردند بستر نور بردند بردار و سروس سود که افزان بردار کوشتر کاستان بادران کمونش



الله مودن المراقع المساولة المساولة المراقع المساولة المراقع المساولة المراقع المراقع



lo enic<sub>l</sub>u



الاستان به منطقاً غروب الوطل عدد المستان المس

هدا و دستی و برخست که بهای می باشنانه تیکوانتان بسید شده در است. رسید با بردی بود. کسید با در خانه دارد و در خانه با در خانه در استان با در خانه و بدر کار در خانه با در خانه در خانه با د

ن کیکردیگذاش برای با آنجاد قدار مادرمده برای دیوگریما و سعت مذاکند آنگاری فراهیم بردان مدرسید مدوم بداند و کرایستای در تاکیل برایستان است. با رود کاریک میان مازدیک را در شده میان با کاردیک احتیار میان با رود میان با رود میان بازدیک 17 .....

برده شهر کې بادده پیده تکانسانه انه بوکه که کست اد که برده ته برندا تولید اختیاری می این این می این که می اینک شده با که در در در شرکت ملک می بادد در خود می ویسه میکند انتقاد در این خود به برای می به می این خود به می این تنصر شان در در انتقاد می این می به می می می مسداری چه با با در تقاوم برای می می که این این می این می این می این می می این می می می این می می می می می می م

رار تقریب انتاب داشا میں ہوستے صورت آفتاب کی سیسسے



۱۴۰ پر درج د کمان دیکا اور کورتر بسید جایگا اور زمانه سودیم آم

يورس مكن أن الديم تبسيه بالكاورندا موسية المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنط شرق كالدين يورس المنطقة للإن درمة الدون والمنظرة المنطقة المنطقة

محليات وصاره



در مدار به این در این می داد به این به این با شود این به این م در این به این المن المنظمة ا المن المنظمة المنظمة

~6 9.50



17 Eng

فليا شاؤره





ويتعاطان كالمتون الكالمان ولاكم بترينا المان والمان





يى ئىللىرى ئىلىدى ئ چىلىلى ئىلىدى ئىلىدى







ري مد تركيب من يوني شريعه من الدون من ا الدون الدون الدون من الدون الدون الدون من الدون الدو

المن المنافع ا المنافع المنا



ولو





71 مكا وتنوط قرشه ويسوثا لطفطا وغره اوره فيتخفوا تكودن وعصارت ويت ومثرت ومحبث وكالزنيرلوبنا ذعرج شناره ماستها كبيت متنا يستها درزبا وتي معاش مرزق دفره ستياره عطارق

وخبتروز ستاه زبرومسوتا استاؤيضه

الايات يماره

شديرجرف ميم جهارشيناه دون بروزجون

وتقولدات كمتقرمن وراعبدا وسيكونون

..... Automorphism and فاؤسوم \*\*\*\*\* -----..... \*\*\*\* ....

الخيات كاوره خاءُ چيارم خاءً اول عنده ۲۲ <u>ترانش کو که ا</u>فغ<sub>ه</sub>ا کیه فرد براد را کیه ذرج ده د

ي توان يوسين و ابيرا بالدين بيدار دادور المنطق المستوانسة و المستوانسة و المستوانسة و المستوانسة و المستوانسة الما يعدد المستوانسة المستوانسة المستوانسة المستوانسة و المستوانسة و المستوانسة و المستوانسة و المستوانسة و ا المدورة الديمان المستوانسة و المستوانسة المستوانسة المستوانسة و المستو

المستواد ال المستواد المستوا

در مین به به با در با در دارید با در مانده به این به مین به در مین به به مین به در مین به در مین به در مین به د در مین به مین به مین به در می در مین مین به در مین به در مین به در مین به در مین به مین ..... 1.1

4中1主主 tr. الارمودو 1 ż, جروع کا کا او كفارتعاط وتدويخانياءة

Love

مان المان الموادية و الموادية الموادية

در الدينة بين المواقع المنافع الدينة والمعافق المنافع المنافع المنافع المنافع المنافع المنافع المنافع المنافع ا والدينة المنافع المنافع المنافع المنافع المنافع المنافع المنافع المنافع المنافع المنافعة المنافعة الدينة المنافعة الدينة المنافعة الدينة المنافعة الدينة المنافعة المنافع

ر و لما يقدم الإنتهام المساقة الانتهام المساقة الانتهام المساقة المسا

ત્યું કર્યું છે. ત્યું કર્યું કર્યું

P9 wish

جديد ما ديوان مندم دارد ارمته الخاص تطيسول بيون درا در كاسته داردا في سهر داردا في م مراح مصرف درانسون مندم دراردا من الدواع ميز كاست منز بدها من المساق و دراردا من برما الجلسبات بالقريد داران من منز مندم دراردا في مورسول الدون وسيد از مرزي در ما دران من تسال مال المنز منذم و من برموزي ورساك محرج فاسم

ر ویدندگان کم مه ۱۱۱ کامت گذار که و انشد دانشنا میاد از گرد. رویت بازشنان هم فراد کم اوردانشدین تاشن دیراد کم اوردیت داد رفت رویت بازشنان مین است هزار میروند سک مها استواد که نا مدرد فرارشن ار واردیت و نصیصت میلی میاد در انتخاب ما استرام در سکت الاسترامی استرام میروند سکت الاسترام الدین میروند الدین رویت کافر در شرونیتر که که کمیده در در انتخاب میروند استرام در سکت میروند الدین الدین میروند الدین الدین میروند استرام در سکت در ایران الدین میروند الدین الدین میروند الدین الدین میروند استرام در سکت در ایران الدین میروند استرام در سال میروند که در ایران الدین در سال میروند استرام در سکت در ایران الدین در سال میروند از در ایران الدین میروند از در استرام در سال میروند از در ایران الدین الدین

سودری شد ایسانگی به با ۱۲ با ۱۱ دری خان در رسی سودری که کمنا کلیا بای چهاان در تیسینده می طوی پروف ب اداردهٔ ان طوک زاد انتار میداندی چیز و خدم در سطح نم بدا در درجه سوارهٔ دارس می کندی سطاع درا انتران بی چیز فاد در سکت ایسود زاد ۱۱ در درجه ما در آداست کرنا داشتا کمیدان سبت

المليات أوراه -باخا كثما بكران اوأس ووكفشان سطري اورفعو يج

بعضوانا واس كنا بامن بيرفا وتسييه مسطامل ويصفيح ومعون او

. لايج مرزيان لماستعان والا

برابردس سراف سعب تكسبن الاطرز فشتاج



ď. فذ كيمياه فيؤين

ينزون أوروعارق كمعطاطان فام كأرامي أجع ووة لهن تكتركسك وروزيح فؤد كامرى فران كرى تناوست كم فركسكا وما ل بكن مناكي ورأ ون وزون ادبيجون فوجيون كو فألأثبها تذوزن دواسكريو نجاد سوقت بردوا أكييغ معرو لينفكوثرى بحرودا عطازياوه استقيارتا دزن وواجا راشدا ورآثا ايك ماشر بجاسط مسوقت كروزان وواسات جا رحصیهٔ نباده آسانت مرایند بهار باشده او درایک باشد آنادیده ایروت مراه باشتان او درود باسترون کری در جا رباشده از نصیر جوزدن ترخیران کوکه از داست مين آلزالين مي إنون كو

مهمان به المستقدة من الدولة والمساوية من الدولة بالمستقدة المستقدة المستقد

ئے آگرے ہے سکر نے طبیعہ کو بردائی ہو کا کہنا ہے ہو کہ ایک کا بڑھ کہا کا مطابق کا استدائی کے اور استدائی کی اور روز باز اور در مردائی میں اس مورٹ اور ان انسان کی میں اور انسان کی اور انسان کی اور انسان کی اور انسان کی اور انداز روز اور انسان کی اور انسان کا انسان کی اور انسان کی انداز روز انسان کی اور انسان کی انسان کی انسان کی انسان کی انسان کی اور انسان کی اور انسان کی اور انسان کی اور انداز مواقع کا انسان کی انسان کی انسان کی انسان کی انسان کی انسان کی اور انسان کی اور انسان کی اور انسان کی ا

در این می می این می در این می می این می در این می می در این م

ા પ્રાથમિક માત્ર માત્ર

المستوانية المستوانية

رگورده از مهمه داد اندام کرد. شد است که بازی از ایسان به را برای ایسان به داد به ایسان به داد به بازی ایسان به داد به دا

40) الثاراد سیکسک شوقت کردا نوج برین مالان سک نتا وافر فرخ اکریب در در شیخشن اکرنته ی سفته اگر کارس کر یکوید

كليات كاوره

ر النظام المنظمة المن

47 مودده ويربيع كواس مقدمين الحرفران كالفرصياكربيا

الليات كارزه يلات اداوز كالأكار وكرم وفيسك تبن مودري

ت يعذان اوركاب فأرادريت اريف كلي سائة مفوارزق والزروت في حوا

وكا ادراما باعبدالاحدثبات كالموريكم

49 الباشتيو

قراب هذا برای به ما ب قراب هم الما ما به به ما به م

يدة الوالك لأت اوراكي و كن من أمعياو فوا

در با در ارد ارد ارد از اگر سال در در برد با در این به این به این با در این به این به این به این به این به در ا در این به در این در ارد این در ارد این در ارد این در در این در در این در در این در در در این در در این در در در در در در در د

ملاشانه ۳

بسيؤه جسونت كتمام بثبان مع

دره بنا به التساوس المنظمة المساهدة المساهدة المساهدة المساهدة المساهدة المساهدة المساهدة المساهدة المساهدة ال المنظمة المنظمة

الإناده

اديم بنا وساور بحراخ

شهوعا بئن ادسوقت آوميون كود كحفا ووكيف واسلطرت

اللياشادية

鞭:

49 موسوده غاد دوجه و موماً آزاسا ترواز بازندگوادداک بیش کردون اسطوم داده ا نظار دران و درده خانس به کواردی آزار شدار درده و در درده این ایست در از زارا زور زیره ساسیا و زیره برای از شهر کارم کارداز داده که کاروریش

ه ميد ميدكم كوده ميد داد كار ميدكات بداد ميدك المؤدد الميدكات الميدكات الميدكات الميدكات الميدكات الميدكات الم ويود الميدكات الميدك ويا يواد الميدكات ا ويدر الميدكات الميدكا

ر فرد فرد استاها که طور تا به های کار استان با برستان را بدرستان از میدان با برستان که است فرد از میدان به درس روست درستانها من این می که است با برستان این سوزی به در این با در در این می در این با در این می در این با در این با در این می در

وكمصيا وبكأ فارسكسطا وراوس كأ فذكوآك يربيط تساوير كأفا

زباوه ه مرام إدراوسمين كليات: دره 41

سطدختى واورشتمركول نشان نؤست ادرافلاس كابجا ورككوانل مورازي فكآ

44 ت اخلاق ميده ادرعا و تون (ع

ن عباطني اورزرون

ساده به المناصرة من واحم في المناصرة ا

ريخ كأوروى متوسط بستة نرم وليبانجوبي فلابرى و وما بسيافته الإم

مزاداده 10

No. ت يوي نم أريز فكرارك

وزور

my

سُد ليُّه سكر لملاكرو عورت مفتون موماي فوعد يگريال سرَّا دي كرروغ

4.

نيسوا تقربت إوكحاورا ورامراض مهلك كويجعي فانكره

به مراقع مواقع الدورة والمداورة المتراقع المراقع المواقع المو

مه سازه المدار والدون المدار المدار

ر باردان به به برخوبی مقواده با نه میکنوان به که و فرق از ایرا در و بست بری بخاده ای اکار ایران با بی و برخد ایل امیری از میکنوان برای با بیده برخوری به به دستان های ایسان ایسان ایسان با بیدا زمان میکنوان با در ایران با بیده با ب

ي ردد اين اساس مواد المدين به المواد المدين المواد المدين المواد المواد المواد المواد المواد المواد المواد الم والمدينة في المدين المدينة المواد المدينة المواد ال

الماشنادره

الخبات نادره وكمركه ودبركز شهرته نوكى البقسا كافرومني

